

عمر بن خلف، تنقیف اللسان، به کوشش عبدالعزیز مطر، قاهره، ۱۳۸۶ ق/ ۱۹۶۶ م؛ نجیبی، اسماعیل بن احمد، شرح بر المختار من شعر بشار، به کوشش محمد بدرالدین علوی، قاهره، ۱۹۳۴ م؛ سیوطی، بُیْهة الوعاة، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۴ ق/ ۱۹۶۴ م؛ صفدی، خلیل بن لیبک، الرافی بالوفیات (عکسی)؛ عباس، احسان، العرب فی صقلیة، بیروت، ۱۹۷۵ م؛ قفطی، علی بن یوسف، انباء الرواة، به کوشش

محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۷۱ ق/ ۱۹۵۲ م؛ یاقوت، ادباً؛ نیز: EI<sup>2</sup>, Rizzitano, U., "Un commento di Ibn al Qattā...", RSO, Vol. XXX, Roma, 1955.

بخش ادبیات عرب

**ابن بَراج**، سعدالدین ابوالقاسم عبدالعزیز بن تحریر بن عبدالعزیز ابن بَراج طرابلسی معروف به قاضی و ملقب به عزالمؤمنین (دشعبان ۴۸۱ ق/ اکتبر ۱۰۸۸ م)، فقیه و قاضی شیعی امامی، از تاریخ تولد او آگاهی دقیقی در دست نیست، ولی با توجه به اینکه عمرش را هشتاد و اندی نوشته‌اند (افندی، ۱۴۲/۳، ۱۴۳)، می‌توان گفت که در حدود ۴۰۰ ق به دنیا آمده است. ابن براج در مصر متولد گردید و در همانجا رشد یافت و چون دیرزمانی قضای طرابلس شام را به عهده داشت، به طرابلسی معروف شد (منتجب‌الدین، ۱۰۷؛ افندی، همانجا). فقیهان امامی وقتی به نحو مطلق از «قاضی» یاد می‌کنند، مرادشان ابن سراج است (نوری، ۴۸۰/۳). آوازه مجلس درس سید مرتضی علم‌الهدی او را به بغداد کشاند. ابن براج در ۴۲۹ ق/ ۱۰۳۸ م در درس وی حاضر شد و ۷ سال یعنی تا زمان درگذشت سیدمرتضی نزد او دانش آموخت (ابن شهر آشوب، معالم، ۸۰؛ افندی، ۱۴۲/۳). علم‌الهدی که کمک هزینه دانشجویان را به اندازه شأن علمیشان می‌پرداخت، به شیخ طوسی ماهانه ۱۲ و به ابن براج ۸ دینار می‌داد و از این رو می‌توان او را برجسته‌ترین و نامبردارترین شاگرد علم‌الهدی، پس از شیخ ابوجعفر طوسی (د. ۴۶۰ ق/ ۱۰۶۸ م) دانست. ابن براج پس از درگذشت علم‌الهدی، در مجلس درس شیخ طوسی شرکت جست و چند سالی نیز در محضر او بود. در ۴۳۸ ق/ ۱۰۴۶ م به عنوان خلیفه شیخ رهسپار طرابلس شام شد (همانجا؛ مجلسی، ۱۹۸/۱۰۴). برخی از نویسندگان برآنند که جلال‌الملک (از فرمانروایان بنی‌عمار، حکم ۴۶۴-۴۹۲ ق/ ۱۰۷۱-۱۰۹۹ م) در همین سال او را بر منصب قضا گماشت (صدر، ۳۰۴)، ولی با توجه به زمان روی کار آمدن جلال‌الملک (نک: ابن اثیر، ۷۱/۱۰) چنین سخنی درست به نظر نمی‌رسد. اگر جلال‌الملک درست در آغاز حکومت خود، ابن براج را بر آن منصب گمارده باشد، از آنجا که وی تا پایان عمر در طرابلس ماندگار شد (افندی، ۱۴۲/۳، ۱۴۵)، می‌توان گفت که وی حدود ۱۷ سال قاضی طرابلس بوده است. افندی (۱۴۱/۳) افزون بر استادان یاد شده، شیخ مفید محمد بن نعمان (د. ۴۱۳ ق/ ۱۰۲۲ م) را نیز با تردید از استادان قاضی می‌شمارد که اگر وی در سال درگذشت شیخ مفید ۱۳ ساله بوده باشد، می‌توان این تردید را موجه دانست. افندی از خلال کلمات مجلسی چنین برداشت کرده

ابن امر ابن منکود پارسا را خوش نمی‌آمد. عاقبت پیغام نکته‌آمیز او باعث شد که ابن البرّ مازر را ترک گوید و بدین سان ابن عبدالجبار از محضر درس او محروم ماند. خوب است اشاره کنیم که دیدار وی با ابن رشیق در آن شهر به اعتبار گفته یاقوت (همانجا) که در «دائرة المعارف اسلام» آمده، باید زائیده اشتباه در فهم متن باشد. ابن البرّ پس از آن روی به پالرم<sup>۱</sup> آورد (یاقوت، صفدی، همانجا؛ قفطی، ۱۹۰/۳). در آن شهر نیز به کار لغت پرداخت و مکتبی را که گویند خود پایه‌ریزی کرده است، استوارتر نمود. از آن پس دیگر خبری از او در دست نیست، جز اینکه گویند در حدود ۴۶۰ ق/ ۱۰۶۸ م به اندلس رفت (ابن ابار، ۶۷۵/۲). به ابن البرّ که نام او در شمار نحویان و لغت‌شناسان بزرگ آمده است، اثری نسبت نداده‌اند و اگر چند تن از شاگردان نامور او روایات خود را از او نقل نکرده بودند، شاید نام او نیز از میان می‌رفت. در مورد حرکت لغوی منسوب به او نیز بهتر است چندان اغراق نکنیم و نکوشیم مکتبی در علم لغت به او نسبت دهیم (برخلاف عباس، ۱۰۸)، زیرا نقش عمده‌ای که در این باب به او نسبت می‌دهند همانا وارد کردن صحاح جوهری به مصر است. قفطی (۲۳۶/۲) گوید: چون شاگردش ابن قطاع در حدود ۵۰۰ ق به مصر در آمد، مردمان را از کتاب صحاح بی‌اطلاع یافت و ناچار خود به تدریس آن همت گماشت، اما این سخن اعتباری برای مکتب لغوی ابن البرّ فراهم نمی‌آورد، به خصوص که قفطی به این امر که مصریان را بر صحاح اطلاعی نباشد، اطمینان کامل ندارد (۱۹۰/۳). فضیلت دیگری که به وی نسبت می‌دهند همانا انتشار شعر متنبی در صقلیه است. او خود شعر متنبی را از ابن رشدین شاگرد بلافضل متنبی که در مصر اشعارش را روایت می‌کرد، نقل کرده و از آن پس به عنوان راوی و شارح آثار متنبی شهرت یافته است، اما آنچه از شرح او می‌شناسیم، همان است که شاگردش ابن قطاع نقل کرده است (نک: رزیتانو، 207 227). از این شرح چنین برمی‌آید که وی بیشتر به جنبه لغوی عنایت داشته است تا جنبه‌های دیگر، زیرا ملاحظه می‌کنیم که ابن قطاع از قول او تنها مفردات را شرح کرده است.

علاوه بر ابن قطاع، ابو محمد صیرفی نیز در ۴۵۰ ق/ ۱۰۶۷ م شعر متنبی را نزد او آموخته است. یکی دیگر از کسانی که باعث ماندگار شدن نام وی شده است، ابن مکی (د. ۵۰۱ ق/ ۱۱۰۷ م) صاحب تنقیف اللسان (قاهره، ۱۹۶۶ م) است که کتاب خود را بر استاد عرضه می‌کرد، تا از عیبجویی مغرضان و حسد حاسدان در امان بماند. به این منظور وی همه آرای استاد را ملحوظ می‌داشته است (ابن مکی، ۴۷). احتمال داده‌اند که تصحیح این کتاب در حدود ۴۶۰ ق یعنی زمانی که ابن البرّ هنوز در صقلیه بود، انجام شده باشد (عباس، ۱۱۰).

مأخذ: ابن ابار، محمدين عبدالله، التكملة لكتاب الصلة، به کوشش عزت عطار الحیثی، قاهره، ۱۳۷۵ ق/ ۱۹۵۶ م؛ ابن دحیة، عمر بن حسن، المطرب من اشعار اهل المغرب، به کوشش ابراهیم ایاری و دیگران، قاهره، ۱۹۵۵ م؛ ابن قاضی شهبه، ابوبکر بن احمد، طبقات النحاة واللغویین، به کوشش محسن غیاث، نجف، ۱۳۹۳ ق/ ۱۹۷۳ م؛ ابن مکی،

که ابو الفتح کراچکی (د ۴۴۹ ق / ۱۰۵۷ م) استاد وی بوده است، ولی شخصاً بر آن است که کراچکی استاد قاضی عبدالعزیز بن ابی کامل طرابلسی، شاگرد ابن براج بود و برخی از رجال شناسان، پاره‌ای از احوال، کتابها و حتی لقب آن قاضی را با ابن براج در آمیخته‌اند (همو، ۱۴۱/۳ - ۱۴۳). کسان بسیاری از مجلس درس ابن براج بهره جسته و از او حدیث شنیده‌اند که به برخی از آنان اشاره می‌شود: حسکابن بابویه جند منتجب‌الدین، عبدالجبار مقری رازی، عبدالرحمن نیشابوری خزاعی، حسن بن عبدالعزیز جیهانی (منتجب‌الدین، ۴۴، ۱۰۷ - ۱۰۸، ۱۱۱)، قاضی ابن ابی کامل طرابلسی (حر عاملی، ۱۴۹)، ابو جعفر محمد حلبی (شهید اول، ۷۴)، زید بن داعی (نک: ه، د، آبی، رضی‌الدین) و کمیح (مجلسی، ۱۶۳/۱۰۵؛ آقابزرگ، طبقات، ۴/۶). از برخی نوشته‌های قاضی می‌توان پی برد که وی در مجلس درس شیخ طوسی یک شاگرد معمولی نبوده، چنانکه در مذهب مباحثه‌ای را می‌بینیم که میان شیخ با ابن براج رخ داده و شیخ در این گفت‌وگو مجاب گردیده است (ابن براج، ۴۱۹/۲ - ۴۲۰). نیز شیخ طوسی در سرآغاز پاره‌ای از نوشته‌هایش (رسائل، ۱۱۷، ۱۵۵؛ الفهرست، ۲) تصریح می‌کند که این کتابها را به درخواست شیخ فاضل می‌نویسد و آقابزرگ (الذریعة، ۱۴۵/۵؛ همو، مقدمه تبیان، «ث» در حاشیه پاره‌ای از نسخ کتاب الجمل والعقود وی دیده که مراد از شیخ فاضل، ابن براج است. نیز به گفته کاظمینی (ص ۹)، راوندی در حل‌العقود تصریح کرده است که شیخ مورد نظر همان ابن براج است. افزون بر آن اینکه شیخ کتاب جداگانه‌ای به نام مسائل ابن براج پرداخته است (طوسی، الفهرست، ۲۸۸ [مسائل ابن براج]؛ قس: ابن شهر آشوب، معالم، ۱۱۵).

ابن براج از دانشمندان پرآوازه و معتبر شیعی است که آرای او پیوسته مورد توجه فقیهان بزرگ بوده و غالباً به نظریات او اشاره و استناد شده است، به عنوان نمونه می‌توان به اینان اشاره کرد: علامه حلی (د ۷۲۶ ق / ۱۳۲۶ م) در مختلف‌الشیعة (ص ۳۰۲، جم)؛ شهید اول (د ۷۸۶ ق / ۱۳۸۴ م) در القواعد والفوائد (۲۷۳/۱)، قس: فهرست اعلام، الذکری (کتاب الصلوة، جم) والدروس (ص ۱۰، جم)؛ فاضل مقداد (د ۸۲۶ ق / ۱۴۲۳ م) در التفتیح الرائع (۶۹/۱، ۱۱۴، جم) و سید جواد حسینی عاملی (د ۱۲۲۶ ق / ۱۸۱۱ م) در مفتاح الکرامه (ص ۳، جم). بسیاری از فقیهان و محدثان سده‌های بعد در اجازه‌هایی که به برخی از شاگردان خود داده‌اند به شخصیت و آثار او اشاره کرده‌اند. قاضی از نویسندگانی است که نوشته‌هایی در فقه و کلام پرداخته است. نوشته‌های به جای مانده او شامل مجموعه‌ای از فتاوی‌های فقهی است که در آن استدلال‌های فقهی و نقد نظرهای دیگر فقیهان بسیار کم به چشم می‌خورد.

آثار:

آثار جابی: ۱. الجواهر، در ۱۲۷۶ ق / ۱۸۵۹ م در تهران در مجموعه‌ای به نام الجوامع الفقهية چاپ شده است. در این کتاب حدود

۸۲۰ پرسش در بابهای گوناگون فقه مطرح و به آنها پاسخ داده شده است. برخی برآنند که این کتاب اولین نوشته‌ای است که مسائل فقهی را به صورت پرسش و پاسخ طرح نموده است (مدیر شانه‌چی، ۲۱)؛ ۲. شرح جمل‌العلم و العمل (نک: مآخذ) که شرحی است بر بخش فقهی کتاب جمل‌العلم و العمل علم‌الهدی. این کتاب مختصر به بیان احکام طهارت، نماز میت، روزه، اعتکاف، حج و زکات پرداخته است و از ویژگیهای آن این است که نظرهای فقهی گروهی از صحابه پیامبر (ص) و تابعین و فقیهان سده ۱ و ۲ ق / ۷ و ۸ م را دربر دارد؛ ۳. المذهب (نک: مآخذ). این کتاب چنانکه از فحوی عبارتی از آن (۴۷۶/۲) برمی‌آید، در حدود ۴۶۷ ق / ۱۰۸۳ م نوشته شده است و صاحب مفتاح‌الکرامه آن را مذهب قدیم در مقابل مذهب ابن فهد (مذهب جدید) می‌خواند (نک: آقابزرگ، الذریعة، ۲۹۴/۲۳).

آثار منسوب: حسن التعریف (ابن شهر آشوب، معالم، ۸۰) که حرّ عاملی (۱۵۳/۲) آن را حسن‌التقریب ضبط کرده است؛ الروضة (منتجب‌الدین، ۱۰۷) که ابن شهر آشوب آن را روضة النفس فی احکام العبادات الخمس نامیده است (معالم، همانجا). عماد المحتاج فی مناسک الحاج (منتجب‌الدین، همانجا) که کنتوری (ص ۳۸۵) آن را عماد الحاج فی مناسک المحتاج، و بغدادی (۵۷۸/۱) آن را الاحتجاج... ضبط کرده است؛ الکامل در فقه (منتجب‌الدین، ابن شهر آشوب، همانجاها)؛ المعالم در فروع (همانجا)؛ المعتد (منتجب‌الدین، همانجا)؛ المقرب (همانجا)؛ ابن شهر آشوب، همانجا) که بعضاً به شکل المغرب و یا المغرب ضبط شده است (نک: ذیل منتجب‌الدین، همانجا؛ اردبیلی، ۴۶۰/۱)؛ المنهاج (ابن شهر آشوب، همانجا)؛ الموجز در فقه (منتجب‌الدین، همانجا)؛ التفسیر (ابن شهر آشوب، المناقب، ۳۵/۱، ۳۷).

مآخذ: آقابزرگ، الذریعة؛ همو، طبقات اعلام الشیعة، القرن السادس، به کوشش علی‌نقی منزوی، بیروت، ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م؛ همو، مقدمه بر تبیان شیخ طوسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ ابن اثیر، الکامل؛ ابن براج، عبدالعزیز، شرح جمل‌العلم و العمل، به کوشش کاظم مدیر شانه‌چی، مشهد، ۱۳۵۲ ش؛ همو، المذهب، قم، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، نجف، ۱۳۸۰ ق / ۱۹۶۰ م؛ همو، المناقب، قم، انتشارات علامه اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواة، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م؛ افتدی، اصفهانی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء، به کوشش محمود مرعشی و احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م؛ بغدادی، اسماعیل بن محمد امین، هدیة العارفين، استانبول، ۱۹۵۱ م؛ حرّ عاملی، محمد بن حسن، امل‌الآمل، به کوشش احمد حسینی، نجف، ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م؛ حسینی عاملی، محمدجواد، مفتاح‌الکرامه، قم، ۱۳۷۵ ق / ۱۹۵۶ م؛ شهید اول، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة، چاپ سنگی، ۱۲۶۰ ق؛ همو، الذکری، چاپ سنگی، ۱۲۷۱ ق؛ همو، القواعد والفوائد، به کوشش عبدالهادی حکیم، قم، مکتبة المفید؛ صدر، سید حسن، تأسیس الشیعة، بغداد، ۱۳۵۴ ق / ۱۹۳۵ م؛ طوسی، محمد بن حسن، رسائل العشر، به کوشش محمد واعظ‌زاده خراسانی، قم، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م؛ همو، الفهرست، به کوشش آلویس اشیرنجر، بیمنی، ۱۲۷۱ ق / ۱۸۵۵ م؛ علامه حلی، حسن بن یوسف، مختلف‌الشیعة، چاپ سنگی، ۱۳۲۳ ق؛ فاضل مقداد، التفتیح الرائع، به کوشش حسینی کوه‌کمری، قم، ۱۴۰۴ ق؛ کاظمینی، اسدالله، مقایس‌الانوار، تهران، ۱۳۲۲ ق؛ کنتوری، اعجاز حسین، کشف‌الحجب والاسرار، به کوشش هدایت حسین، کلکته، ۱۹۳۵ م؛ مجلسی، محمدباقر، بحار‌الانوار، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م؛ مدیر شانه‌چی، کاظم، مقدمه بر شرح جمل (نک: ابن براج در همین مآخذ)؛ منتجب‌الدین، علی بن عیبدالله،